

## بسم الله الرحمن الرحيم

### نکات کلیدی و تفسیری جزء شانزدهم قرآن کریم



#### مأموریت عجیب دو پیامبر

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزُ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي (۸۲- كهف)

و اما داستان دیوار که متعلق

به دو پسر یتیم این شهر بود و زیر آن گنجی برای آن‌ها وجود داشت و پدرشان مرد صالحی بود. پروردگارت می‌خواست وقتی که آن‌ها بالغ شدند، آن گنج را از زیر دیوار خارج کنند. این لطفی از جانب پروردگارت بود و من این کار را از پیش خود نکردم.

این آیه، پرده از راز یکی از سه مأموریتی بر می‌دارد که موسی به همراه خضر علیهما السلام و به رهبری او انجام دادند. آن‌ها در این مأموریت، دیوار در حال تخریبی را بازسازی کردند (۱) و وقتی موسی علیه السلام از سر این کار سوال کرد؛ خضر علیه السلام پاسخ داد: گنجی در زیر این دیوار نهفته که متعلق به دو بچه یتیم است. خدا اراده کرد تا زمانی که این‌ها بزرگ می‌شوند و آن را استخراج می‌کنند گنجشان محفوظ بماند. چون پدر آن‌ها مرد صالحی بود ما مأمور شدیم دیوار را بازسازی کنیم تا مبادا گنج ظاهر شود و اموال این یتیم‌ها به خطر افتد (۲).

نکته عجیب در این داستان: چون پدر این دو بچه یتیم، انسان صالحی بود خدا دو پیامبر را مأمور می‌کند تا از اموال فرزندان او محافظت کنند.

نکته عجیب‌تر اینکه: امام صادق علیه السلام فرمود: «انه كان بينهما وبين ذلك الأب الصالح سبعة آباء» (۳) آن مرد صالح، جد هفتم این دو یتیم بود.

نتیجه اینکه: کسی چند صد سال قبل می‌زیسته؛ چون انسان صالح و متدینی بوده است خداوند متعال به دو پیامبر خود که یکی از آن‌ها نیز اولوالعزم است مأموریت می‌دهد تا از اموال دو یتیم در نسل او مراقبت کنند و این امر بسیار شگفت‌انگیز است.

خسران و خسارت در کسب و کارهایی صورت می‌گیرد که به منظور سود انجام می‌شود و وقتی خسران تحقق می‌یابد که کاسب به غرضی که از تلاش خود داشته، نرسد؛ بلکه مقداری از سرمایه هم نابود شود و یا حداقل منفعتی عاید او نگردد در نتیجه سعیش بی‌نتیجه شود. و این همان است که آیه شریفه آن را «ضلال سعی» خوانده است (۵).

### زیانکارترین انسان‌ها چه کسانی‌اند؟

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۰۳) الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰۴ - کهف)  
بگو: [می‌خواهید] شما را از زیانکارترین مردم با خبر کنم؟ آن‌ها کسانی‌اند که تمام سعی و تلاششان در زندگی دنیا به هدر رفته با این حال خیال می‌کنند کار خوبی انجام می‌دهند.

این آیه از کسانی خبر می‌دهد که در عمل از هر زیانکاری زیان‌کارترند و آن‌ها کسانی هستند که در زندگی دنیا هم از عمل خود بهره نگرفتند؛ چون «ضلال سعی» همان خسران و بی‌نتیجگی عمل است (۴) و چون این‌ها علاوه بر غفلت از ضرر، آن را سود هم تلقی می‌کنند از این رو به زیانکارترین افراد لقب گرفته‌اند.

خسران و خسارت در کسب و کارهایی صورت می‌گیرد که به منظور سود انجام می‌شود و وقتی خسران تحقق می‌یابد که کاسب به غرضی که از تلاش خود داشته، نرسد؛ بلکه مقداری از سرمایه هم نابود شود و یا حداقل منفعتی عاید او نگردد در نتیجه سعیش بی‌نتیجه شود. و این همان است که آیه شریفه آن را «ضلال سعی» خوانده است (۵).

اگر کسی ضرر کرد و فهمید ضرر کرده است به فکر چاره افتاده و سعی می‌کند که جبران کند؛ اما بیچاره کسی که ضرر می‌کند و گمان می‌کند که دارد سود می‌برد. چنین کسی چون امیدی به بازگشت و جبرانش نیست پس در حقیقت زیانکار تر از او هم کسی پیدا نمی‌شود.

آنگاه در دو آیه بعد ریشه این وارونه‌انگاری آن‌ها را چنین بیان می‌کند که: آن‌ها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان کافر شدند و دیدار [قیامت و محاسبه اعمال] را به وسیله او منکر شدند و آیات من و پیامبرانم را به باد استهزاء و تمسخر گرفتند.

### خدا عنایت می‌کند؛ اما تو هم تکانی بخور!

و هَزَى إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا (۲۵ - مریم سلام الله علیها)

تکانی به این تنه نخل بده تا برایت رطب تازه فرو ریزد.

این سخن زمانی به مریم سلام الله علیها گفته می‌شود که او برای دنیا آوردن فرزندش از مسجد فاصله گرفته و پای تنه نخلی خشکیده نشسته است. وقتی فرزندش به دنیا می‌آید به او گفته می‌شود تو این نخل خشکیده را تکان بده به قدرت الهی این تنه، صاحب رطب تازه شده و بر تو فرو می‌ریزد). ۶

انسان باید بداند که این عنایت‌ها به مانند سایر اموری که از خداوند متعال صادر می‌شود تحت مدیریت حکمت الهی قرار دارند و هر کجا که حکمتش اقتضاء کند انسان را به امداد غیبی یاری می‌کند.

### نکته قابل توجه در این داستان

برای خدایی که نخل خشکیده را پر ثمر کرده و آن را در یک چشم بر هم زدن، صاحب رطب تازه می‌کند؛ بی شک ریختن آن‌ها و در دسترس قراردادنشان نیز ممکن بود؛ اما این جریان به ما می‌آموزد که قرار نیست تمام امور بشر حتی برگزیدگان الهی (۷) از راه امدادهای غیبی اداره شود. کمک‌های ویژه و امدادهای غیبی الهی که از مسیر غیر عادی و ناشناخته نصیب برخی می‌شود حقیقتی است انکار ناپذیر؛ اما این بدان معنا نیست که چون خدا می‌تواند پس بشر باید دست روی دست گذاشته و فقط منتظر غیب باشد.

انسان باید بداند که این عنایت‌ها به مانند سایر اموری که از خداوند متعال صادر می‌شود تحت مدیریت حکمت الهی قرار دارند و هر کجا که حکمتش اقتضاء کند انسان را به امداد غیبی یاری می‌کند.

### راه محبوب شدن در بین مردم

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۹۶- مریم سلام الله علیها)

بی تردید کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند، [خدای] رحمان به زودی برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار خواهد داد.

کلمه «وُدّ» و «مودّت» به معنای محبت است. این آیه شریفه وعده‌ای زیبا از ناحیه خدای متعال است به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می‌کنند که به زودی محبت آن‌ها را در دل‌ها قرار می‌دهد. همان‌گونه که در آیه نمایان است این بشارت را مقید به قیدی نکرده است از این رو دلیلی ندارد که ما آن را منحصر در فرد خاصی کنیم و یا آن را مربوط به بهشت یا قلوب همه مردم در دنیا و یا مقید به قیود دیگری کنیم). ۸۰

به عبارت دیگر آیه مطلق است و پیامش این است هر کس اهل ایمان و انجام عمل صالح باشد خداوند محبت او را در دل دیگران انداخته و او بدون اینکه قدمی در این جهت برداشته باشد محبوب دیگران می‌شود. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: هنگامی که خداوند کسی از بندگان را دوست دارد به فرشته بزرگش جبرئیل می‌گوید من فلان کس را دوست دارم او را دوست بدار! جبرئیل هم او را دوست خواهد داشت. سپس در آسمان‌ها ندا می‌دهد که ای اهل

آسمان! خداوند فلان کس را دوست دارد او را دوست بدارید! که به دنبال آن، همه اهل آسمان او را دوست می‌دارند؛ آنگاه پذیرش این محبت در زمین نیز منعکس می‌شود.

و هنگامی که خداوند کسی را دشمن بدارد به جبرئیل می‌گوید من از او متنفرم، او را دشمن بدار! جبرئیل هم او را دشمن می‌دارد. سپس در میان اهل آسمان‌ها ندا می‌دهد که خداوند از او متنفر است او را دشمن دارید! همه اهل آسمان‌ها از او متنفر می‌شوند؛ آنگاه این تنفر در زمین نیز منعکس می‌شود(۹۰).

روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: هنگامی که خداوند کسی از بندگان را دوست دارد به فرشته بزرگش جبرئیل می‌گوید من فلان کس را دوست دارم او را دوست بدار! جبرئیل هم او را دوست خواهد داشت. سپس در آسمان‌ها ندا می‌دهد که ای اهل آسمان! خداوند فلان کس را دوست دارد او را دوست بدارید! که به دنبال آن، همه اهل آسمان او را دوست می‌دارند؛ آنگاه پذیرش این محبت در زمین نیز منعکس می‌شود.

### اصلی‌ترین عامل سختی‌های آزار دهنده

قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (۱۲۳) وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمًى (۱۲۴ - طه)

خداوند متعال به آدم و حوا فرمود: از بهشت به سوی زمین فرود آید که برخی از شما دشمن برخی دیگرند. زین پس هرگاه از سوی من هدایتی به شما رسید، اگر کسی از هدایت پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه به مشقت و رنج می‌افتد و اگر کسی از هدایت من که سبب یاد نمودن من در همه امور است، روی بگرداند برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم.

### از این فراز شریف چند مطلب فهمیده می‌شود:

۱. اگر کسی از هدایتگران الهی که انسان را به سوی خدا و آن کمال مطلق هدایت می‌کنند پیروی کند؛ نه گمراه می‌شود و نه به مشقت و رنج می‌افتد.

۲. اینکه به طور مطلق فرموده «گمراه و شقی نمی‌شود» می‌رساند که هم ضلالت و شقاوت دنیایی از او نفی شده هم آخرتی.

۳. به جای اینکه بفرماید «و من لم يتبع هداي؛ و هر که هدایت مرا پیروی نکند» فرمود: «و مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي» تا به علت حکم اشاره کند و معلوم شود که علت تنگی معیشت در دنیا و کوری در روز قیامت، فراموش کردن خدا و اعراض از یاد او است(۱۰۰).

۴. آرامش غیر از آسایش است. آسایش راحتی تن است و آرامش راحتی جان. پیام آیه ناظر به سلب آرامش در صورت غفلت از یاد خداست؛ چون بسیاری کسانی که از یاد خدا اعراض کرده‌اند؛ اما غرق در ثروت و امکانات و آسایشند؛ ولی همان‌طور که می‌بینیم و آیه به آن اشاره دارد این افراد از آن آرامش روحی «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (۱۱) بهره‌ای ندارند.

۵. اصولاً تنگی زندگی بیشتر به خاطر کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی است، دلیل آن هم عدم اطمینان به آینده و ترس از نابود شدن امکانات موجود و وابستگی بیش از حد به جهان ماده است؛ ولی آن کس که به خدا ایمان دارد و دل به ذات پاک او بسته، از همه این نگرانی‌ها در امان است (۱۲).

پی نوشت ها:

(۱) آیه ۷۷ سوره کهف

(۲) ر.ک به نمونه ج ۱۲ ص ۵۰۴

(۳) تفسیر نورالثقلین ج ۳ ص ۲۹۱

(۴) المیزان ج ۱۳ ص ۳۹۹

(۵) همان

(۶) برگرفته از المیزان ج ۱۴ ص ۴۳

(۷) آیه ۴۲ سوره آل عمران

(۸) المیزان ج ۱۴ ص ۱۱۳

(۹) به نقل از نمونه ج ۱۳ ص ۱۴۶

(۱۰) المیزان ج ۱۴ ص ۲۲۴

(۱۱) آیه ۲۸ سوره رعد

(۱۲) نمونه ج ۱۳ ص ۳۲۸

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>